

تاریخ گذاری سوره مطففین (مورد پژوهی مکی یا مدنی بودن سوره مطففین و نقش آن در تفسیر)

ابراهیم اقبال*

دانشیار دانشگاه تهران

عماد صادقی**

دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم

ابوذر خیراندیش***

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۱۰)

چکیده

سوره مطففین از جمله سوره‌هایی است که عالمان علوم قرآن و مفسران درباره زمان نزول و مکی یا مدنی بودن آن اختلاف کرده‌اند. اختلافات در این باب، از مطالب سوره و روایات ترتیب نزول تأثیر پذیرفته است. از این رو، بیشتر روایات ترتیب نزول به نزول سوره در مکه دلالت دارند. در این میان، قول مشهور مفسران، مکی بودن را نشان می‌دهد، چنان‌که برخی روایات سبب نزول، بر مدنی بودن تأکید می‌کنند که این روایات قابل نقد و خدشه هستند. از سوی دیگر، ضوابط و خصائص سوره‌های مکی و مدنی نیز بیشتر مکی بودن سوره را نشان می‌دهند. به هر حال، در مقاله حاضر با جمع گردآوری روایات و اقوال گوناگون و آنگاه تحلیل و نقد آنها مکی بودن سوره مطففین را تشدید کرده و به تاریخ گذاری صحیح آن پرداخته شده است و از این رو، با توجه به قراین و ادله متقنی که در بحث حاضر بدان پرداخته‌ایم، این سوره در سال آخر بعثت، قبل از هجرت پیامبر (ص) به عنوان آخرین سوره در مکه پس از سوره عنکبوت نازل گردیده است و فایده مکی دانستن سوره، ما را با مخاطبان آن آشنا می‌کند که کفار و مشرکان مکه هستند یا مسلمانان مدینه که در فهم ما از آیات و شناخت دوست و دشمن بسیار مؤثر خواهد بود.

واژگان کلیدی: تاریخ گذاری، ترتیب نزول، سوره‌های مکی، سوره‌های مدنی، سوره مطففین.

* E-mail: eeghbal@ut.ac.ir

** E-mail: Emadsadeghi7360@yahoo.com (نویسنده مسئول)

*** E-mail: kheyrandish@ut.ac.ir

مقدمه

تاریخ گذاری یا تعیین زمان و ترتیب تاریخی نزول هر یک از سوره‌ها یا بخش‌های آن، به کمک روایات ترتیب نزول، مکی و مدنی، اسباب نزول، ناسخ و منسوخ، تاریخ پیامبر اکرم (ص) و تصریحات و تلویحات خود قرآن به رویدادهای عصر بعثت، از علوم و مباحث با اهمیت در شناخت قرآن مجید و ترجیح آرای تفسیری و ردّ اقوال نادرست به شمار می‌رود. هر چند عنوان «تاریخ گذاری»، جدید و معاصر است، اما علوم زیربنایی آن به گزارش‌های مربوط به صدر اسلام بازمی‌گردد. بر اساس مطالب مطرح در این علوم، بسیاری از سوره‌های قرآن به اتفاق نظر دانشمندان، مکی است و تعداد کمتری بدون اختلاف، مدنی است، ولی در مکی و مدنی بودن (یا مکان و زمان نزول) چند سوره‌ای اختلاف شده است. سوره مطففین در زمره این چند مورد قرار دارد. فایده شناخت مکی و مدنی بودن این سوره این است که ما را با موارد خطاب آیات و افراد مشمول آن آشنا می‌کند که این مسئله در فهم آیات بسیار مؤثر است و مورد خطاب این آیات و ملامت‌های پروردگار را با مکی دانستن سوره، مختص کفار بدانیم یا با مدنی دانستن آن، مختص مسلمانان مدینه. بر این اساس، مسئله تحقیق حاضر این است که چگونه می‌توان با گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل مطالب در حوزه روایات ترتیب نزول سوره‌ها، اقوال گوناگون در باب مکان نزول آنها، اسباب نزول و نیز ضوابط و خصائص مکی و مدنی، به تاریخ گذاری صحیح یک سوره نائل آمد و اختلاف را از سوره‌هایی اندک برطرف ساخت؟ به علاوه، به فهم صحیح آیات و مراد خداوند دست یافت. این مقاله با بررسی مورد پژوهانه سوره مطففین، درصدد پاسخگویی به این مسئله است.

۱- سوره مطففین

سوره مطففین در ترتیب کنونی قرآن، در ردیف هشتاد و دومین سوره قرار دارد. اما درباره مکان و زمان نزول آن در بین علماء و دانشمندان علوم قرآن اختلاف‌هایی دیده

می‌شود که باید با منابعی که از زمان صحابه و تابعین به دست رسیده، این اختلاف را برطرف کرد.

۱-۱) گزارش اختلافی بودن سوره

برخی افراد این سوره را در شمار سُورِ اختلافی آورده‌اند؛ مثلاً زرکشی، سیوطی و ابن‌حصار در سرودهٔ خود و آیت‌الله معرفت که گفته‌اند: «این سوره یک سورهٔ اختلافی از نظر مکان و زمان نزول است» (ر.ک؛ زرکشی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۲۸۲؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ۶۸؛ همان، ۱۴۲۱ق.:: ۳۳-۳۴ و معرفت، ۱۳۸۹: ۶۱). با بررسی‌های صورت گرفته در روایات ترتیب نزول و سبب نزول، این نتیجه به دست می‌آید که علت بروز اختلاف در باب مکی و مدنی بودن سوره، هم روایات ترتیب نزول و هم روایات سبب نزول است.

۲-۱) روایات ترتیب نزول سوره

در این سوره، روایات متعددی وارد شده که مکی بودن را نشان می‌دهد. برخی از آنها عبارتند از:

۱-۲-۱) گزارش روایات مکی بودن

روایت علی‌بن ابی طالب^(ع) از طریق سعیدبن مسیب (ر.ک؛ جفری، ۱۳۹۲ق.:: ۱۴-۱۵)، روایت ابن‌عبّاس از طریق عطاء (ر.ک؛ ابن‌ضریس، ۱۴۰۸ق.:: ۲۱)، روایت ابن‌جریر از طریق عطاء خراسانی از ابن‌عبّاس (ر.ک؛ ماوردی، بی‌تا، ج ۶: ۳۰۹)، روایت عطاء از طریق ابوشیبه (ر.ک؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق.، ج ۲: ۴۱۲ و ماوردی، بی‌تا، ج ۴: ۴۳۸)، روایت جابرین زید (ر.ک؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ۱۱۰-۱۱۱)، روایت مجاهد (ر.ک؛ ابن‌ندیم، ۱۴۱۷ق.:: ۲۸)، روایت قتاده (ر.ک؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ۶۰).

بیشتر این روایات، مطففین را آخرین یا یک سوره مانده به آخرین سوره نازل شده در مکه تلقی کرده‌اند (ر.ک؛ همان).

۲-۲-۱) بررسی و تحلیل روایات ترتیب نزول

از این قبیل روایات که خود در شناخت مکی یا مدنی بودن سوره نقش بسزایی دارند، مکی بودن سوره به دست آمد، هرچند در برخی از روایات، نامی از این سوره به میان نیامده است.

۳-۲-۱) روایات مدنی بودن سوره

این روایات بر مدنی بودن دلالت دارد:

الف) روایت علی بن ابی طالب^(ع) از طریق مقاتل (ر.ک؛ شهرستانی، بی تا، ج ۱: ۱۲۸-۱۳۳).

ب) روایت ابن عباس از طریق ابوصالح (ر.ک؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۳۳-۳۴).

ج) روایت عکرمه (ر.ک؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۷: ۱۴۲-۱۴۳).

د) روایت حسن بصری (ر.ک؛ واحدی، ۱۴۱۱ق، اسباب النزول: ۱۳-۱۴).

ه) روایت حضرت علی بن حسین^(ع) (ر.ک؛ همان: ۱۶).

۱-۲-۲-۱) بررسی و تحلیل روایات مدنی

الف) روایت امام علی^(ع) از طریق مقاتل

این روایت با روایت ایشان^(ع) از طریق سعیدبن مسیب [در روایات ترتیب نزول ذکر شده] که سوره را مکی بیان داشت، در تعارض است. از این رو، روایت دوم با نقد روبه رو می شود. اما می توان گفت که احتمال وقوع تحریف در روایت امیرالمومنین^(ع) از سوی دو راوی نخست (سعیدبن مسیب و مقاتل) هست که با آن حضرت^(ع) در دوستی نبودند.

در باب سعیدبن مسیب، ابن ابی الحدید از ابوعثمان نقل کرده که او در زمره افرادی بود که از معاویه پول می گرفتند و در ذم امیرالمومنین^(ع) حدیث جعل می کردند (ر.ک؛ ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱: ۳۵۶-۳۶۴) و او معروف به «راوی عمر» (بسیار روایت کننده از

عمر) بود (ر.ک؛ ابن سعد، ۱۴۰۸ق.، ج ۵: ۸۶) و مقاتل بن سلیمان درباره او گفته شده که طبق قراین، وی کذاب و متروک الحدیث بوده است (ر.ک؛ ذهبی، بی تا، ج ۴: ۱۷۳؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م.، ج ۵: ۲۵۶) گفته شده که او از گروه مرجئه بوده است و مرجئه ضدّ و دشمن امیرمؤمنان علی^(ع) بوده اند (ر.ک؛ ذهبی، بی تا، ج ۴: ۱۷۵).

ب) روایت عکرمه و حسن بصری

با بررسی این دو روایت، این نتیجه به دست می آید که هر دوی این روایت، یک روایت بیش نیست. این روایت که از سوی علی بن حسین بن واقد، از پدرش از یزید نحوی از عکرمه و حسن بصری نقل شده است و حاکی از مدنی بودن سوره است، این روایت با روایت حسین بن واقد از طریق علی بن حسین بن واقد و نیز دیگر روایات صحیح در این باب که از صحابی همچون ابن عباس به طریق عطاء که بر مکی بودن سوره دلالت دارد، در تعارض است و شواهد نشان می دهد که این روایت مکی بودن از امام سجّاد^(ع) یا یزید نحوی از عکرمه و حسن بصری نقل شده باشد؛ زیرا محتوا یکی است، اما در این روایت سوره مطففین مکی تلقی شده است (ر.ک؛ شهرستانی، بی تا، ج ۱: ۱۲۸-۱۳۱).

ج) گفتار واحدی

روایتی که واحدی از امام سجّاد^(ع) نقل کرده است و حاکی از این است که سوره مطففین اولین سوره مدنی است، مرسل و بدون اسناد است، تنها سیوطی این روایت را بیان می دارد و آن را به صورت منفرد می آورد (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق.، ۵۰). لذا در برابر دیگر روایات مسند و مقبول در این باب، از اعتبار ساقط می شود.

۳-۱) روایات و اقوال نزول سوره در گفتار مفسران

نظر مفسران می تواند کمک شایانی در شناخت مکان و زمان نزول سوره داشته باشد.

۱-۳-۱) گزارش روایات

در این بخش، گفتار مفسران گذشته و معاصر در مورد مکان نزول این سوره، خاطر نشان می‌شود و به بررسی و تحلیل آن پرداخته می‌شود:

۱-۳-۲) روایات مکی بودن سوره و تحلیل و بررسی آن

۱- ابن مسعود (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰: ۲۵۰؛ طنطاوی، بی‌تا، ج ۱۵: ۳۱۵ و آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱۵: ۲۷۳). ۲- عبدالله بن عباس به نقل از نحاس و ابن مردویه و ابن ضریس (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق.، ج ۶: ۳۲۳ و آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱۵: ۲۷۳). ۳- عبدالله بن زبیر (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق.، ج ۶: ۳۲۰). ۴- ضحاک (ر.ک؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق.، الف، ج ۴: ۴۱۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰: ۲۵۰؛ طنطاوی، بی‌تا، ج ۱۵: ۳۱۵ و آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱۵: ۲۷۳).

بررسی روایات

در این روایت، کبار صحابه، همچون عبدالله بن مسعود و عبدالله بن عباس وجود دارند و عده‌ای از تابعان عبدالله بن زبیر و ضحاک مکی بودن سوره را گزارش کرده‌اند که در این مورد، روایات آنها موثق است.

۱-۳-۲-۱) روایات مدنی بودن سوره و بررسی آنها

۱- عبدالله بن عباس (ر.ک؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق.، ج ۵: ۵۶۲ و آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱۵: ۲۷۳). ۲- ضحاک (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۹۵ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۸۵). ۳- عکرمه و حسن بصری (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۸۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق.، الف، ج ۴: ۴۱۳ و قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰: ۲۵۰). ۴- مقاتل بن سلیمان (ر.ک؛ ابن سلیمان بلخی، ۱۴۲۲ق.، ج ۴: ۶۱۹ و طنطاوی، بی‌تا، ج ۱۵: ۳۱۵).

۱-۲-۳ (۲-۲-۳) مفسران قائل به اختلافی بودن سوره بدون سند و ترجیح

۱- مشهدی قمی (ر.ک؛ مشهدی قمی، بی تا، ج ۱۴: ۱۷۵). ۲- بغدادی (ر.ک؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۴۰۳). ۳- فیض کاشانی (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۲۹۸). ۴- حقی بروسوی (ر.ک؛ حقی بروسوی، بی تا، ج ۱۰: ۳۶۳). ۵- بیضاوی (ر.ک؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۲۹۴).

بررسی روایت

در مورد مفسرانی که بدون سند اختلافی بودن سوره را نقل کرده‌اند، باید با در نظر گرفتن جوانب مختلفی که در تعیین مکی و مدنی بودن سوره دخالت دارد، به رفع اختلاف در این زمینه پرداخت.

۱-۲-۳ (۳-۲-۳) مدنی بودن سوره در نظر مفسران بدون سند

۱- مقاتل بن سلیمان (ر.ک؛ ابن سلیمان بلخی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۶۱۹). ۲- ثعلبی (ر.ک؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰: ۱۴۹). ۳- سوراآبادی (ر.ک؛ سوراآبادی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۲۷۷۹). ۴- بغوی (ر.ک؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۲۲۱).

بررسی روایات

مدنی بودن سوره در برابر نظر به مکی بودن آن، توان استقامت ندارد، تنها تعداد افراد اندکی این سوره را مدنی دانسته‌اند. کسانی که بدون سند مدنی بودن سوره را بیان کرده‌اند، به احتمال زیاد به سبب وجود آیه اول آن است که سخن از کم‌فروشی است؛ زیرا کم‌فروشی در احکام وارد می‌شود و از همین رو، سوره را مدنی دانسته‌اند.

۱-۲-۳ (۴-۲-۳) مکی بودن سوره بدون ذکر سند

اما مفسران بیشتری به مکی بودن سوره نظر دارند؛ از جمله:

- زمخشری (آخرین سوره مکی پس از سوره عنکبوت) (ر.ک؛ زمخشری، بی تا، ج ۴: ۷۱۸).
- طبرسی (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۸۵).
- فخر رازی (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱: ۸۲).
- ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم) (ر.ک؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ۳۴۲).
- ثعالبی (مکی به قول جماعتی) (ر.ک؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۵۶۲).
- شبّر (ر.ک؛ شبّر، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۳۷۷).
- قمی (ر.ک؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۱۰).
- فیض کاشانی (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ۳۶۱).
- سید قطب (ر.ک؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۳۸۵۴).
- مظهري (ر.ک؛ مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰: ۲۷۱).
- مراغی (آخرین سوره مکی پس از عنکبوت) (ر.ک؛ مراغی، بی تا، ج ۳۰: ۷۱).
- زحیلی (ر.ک؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۰: ۱۰۹).
- ملاحویش (ر.ک؛ ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ج ۴: ۵۰۸).

بررسی

کسانی که بدون سند، حکم به مکی بودن سوره داده‌اند، به سبب ظاهر و اسلوب سوره است و تنها اجتهادی از جانب خود ایشان است؛ زیرا در بحث تاریخ، جایی برای اجتهاد نیست.

نظر علامه طباطبائی

آیات اول این سوره که سخن از مطلقین دارد، از نظر سیاق با آیات مدنی و آیات آخرش با سیاق، سوره‌های مکی مناسب‌تر است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۲۰: ۲۳۰).

نظر تفسیر نمونه

در تفسیر نمونه، نظر آیت الله مکارم شیرازی به مکی بودن سوره نزدیکتر است. در این تفسیر آمده است: «در اینکه این سوره در مکه نازل شده یا در مدینه، در میان مفسران گفتگو است. در شأن نزول نشان می دهد که آیات آغاز این سوره که درباره کم فروشان سخن می گوید، ناظر به افرادی است که در مدینه به این کار کثیف مشغول بودند، ولی لحن دیگر آیات این سوره شباهت زیادی با سوره های مکی دارد که در آیاتی کوتاه و پُرطنین از رستاخیز و حوادث قیامت خبر می دهد، به ویژه آیات اواخر این سوره که بیانگر استهزای کفار نسبت به مسلمانان است نیز تناسب زیادی با محیط مکه دارد که مؤمنان در اقلیت، و کفار در اکثریت قاطع بودند. شاید به همین دلیل است که بعضی قسمتی از سوره را مکی و قسمتی را مدنی می دانند، ولی روی هم رفته، این سوره به سوره های مکی شبیه تر است» (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۲۴۱).

۲- روایات سبب نزول سوره

در باب این سوره، چندین روایت سبب نزول در مورد آیات آغازین و پایانی سوره وارد شده است که باید مورد بررسی قرار داد و آنگاه صحیح ترین سبب نزول را برگزید:

۲-۱) سبب نزول اول

آیات آغازین (۳-۱): ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ: وای بر کم فروشان! * آنان که وقتی برای خود پیمان می کنند، حق خود را کامل می گیرند، * اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمان یا وزن کنند، کم می گذارند!﴾ (المطففین/۳-۱).

سبب نزول

هنگامی که رسول خدا^(ص) وارد مدینه شدند، مردم مدینه از نظر وزن و پیمانه، خبیث‌ترین افراد بودند. پس خداوند این آیات را نازل کرد و بعد از آن، ایشان ترازو و پیمانه خود را میزان کردند. این سبب نزول را افراد زیر در منابع، یا کاملاً به همین صورت، یا با اندکی تغییر ذکر کرده‌اند:

الف) روایت ابن عباس

برخی مفسران، سبب نزول مذکور را به نقل از ابن عباس بدون ذکر واسطه و طریقی بیان کرده‌اند (ر.ک؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، الف، ج ۴: ۴۱۴؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۴۰۳ و مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۱۷) و برخی نیز آن را به نقل از نسایی بدون ذکر سند کامل آورده‌اند (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۳۲۴-۳۲۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ۲۷۳ و قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۵۰: ۲۰) و عدّه زیادی نیز این سبب را از ابن عباس به طریق عکرمه آورده‌اند (ر.ک؛ زمخشری، بی‌تا، ج ۴: ۷۱۸) و تعدادی نیز به ذکر این سبب، بدون ذکر سند و نامی از ابن عباس پرداخته‌اند (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ۳۶۱).

ب) روایت اَبی‌الجارود از امام باقر^(ع)

در برخی از منابع شیعی نیز همین سبب نزول به نقل از اَبی‌الجارود از امام باقر^(ع) ذکر شده است (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۱۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۶۰۴ و شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۳۷۸).

ج) روایت مقاتل بن سلیمان

وی این سبب را با اندکی تفاوت چنین بیان می‌کند که رسول خدا^(ص) هنگامی که وارد مدینه شد، به آنان فرمود: «وویل...: وای بر شما باد به سبب کاری که می‌کنید». پس

خداوند این آیات را به عنوان تصدیقی بر سخن آن حضرت^(ص) نازل فرمود (ر.ک؛ ابن سلیمان بلخی، ۱۴۲۳ق.، ج ۴: ۶۲۱).

(د) روایت سدی

سدی همان سبب نزول مذکور با اندکی تغییرات را بیان می کند (ر.ک؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق.، ج ۱۰: ۱۵۰؛ بغدادی، ۱۴۲۵ق.، ج ۴: ۴۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۸۷).

۲-۲) آیات پایانی (۲۹-۳۶)

﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ * وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ * ... * هَلْ نُؤِيبُ الْكَفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ: بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می خندیدند * و هنگامی که از کنارشان می گذشتند، آنان را با اشاره تمسخر می کردند. * ... * آیا (با این حال)، کافران پاداش اعمال خود را گرفتند؟!﴾ (المطففین / ۲۹-۳۶).

ذیل این آیات، مفسران سه سبب نزول نقل کرده اند که دو مورد از آن ناظر به مکی بودن و یکی ناظر به مدنی بودن این آیات می باشد.

۲-۲-۱) اسباب نزول مکی

یکی از ابزاری که در شناخت مکی و مدنی بودن سوره کمک می کند، سبب نزول سوره هاست. در باب مکی بودن سوره مطففین، اسباب نزول هایی از این قبیل بیان شده است:

الف) حضرت علی^(ع) و جمعی از مؤمنان از کنار جمعی از کفار مکه گذشتند. آنها نسبت به علی^(ع) و مؤمنان بی احترامی کردند، خندیدند و آنها را استهزاء کردند. سپس آیات فوق نازل شد و سرنوشت این گروه کافر و استهزاء کننده را در قیامت و معذب بودنشان را در آتش دوزخ آشکار ساخت. این روایت به طرق مختلف در منابع ذکر شده

است (مثلاً حسکانی به دو طریق، مقاتل از ضحاک از ابن عباس و ابوصالح از ابن عباس (ر.ک؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق.، ج ۲: ۴۲۷-۴۲۸)، طبرسی به طریق ابوصالح از ابن عباس (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۹۴). مراغی بدون ذکر سند (ر.ک؛ مراغی، بی تا، ج ۳۰: ۸۴).

ب) این آیات درباره برخی اصحاب پیامبر^(ص)، همچون عمار، صباب، صهیب، بلال و سایر فقرای مؤمن که مورد استهزای مشرکان و ثروتمندان قریش، همچون ابو جهل، ولید بن مغیره، عاص بن وائل و... واقع شده بودند، نازل شد. این سبب نزول که با سبب نزول مکی قبلی قابل جمع است، به طرق گوناگون، از سوی مفسران گزارش شده است: طبرسی به نقل از ابن مسعود و ابن عباس (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۹۳)، قرطبی از ابن عباس (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰: ۲۶۷). اما بیشتر ایشان بدون ذکر سند، گزارش کرده‌اند (ر.ک؛ زمخشری، بی تا، ج ۴: ۷۲۳-۷۲۴).

۲-۲-۲) سبب نزول مدنی

اسباب نزولی که نزول این سوره را در مدینه بیان می‌دارد، از این قبیل‌اند: این آیات در شأن علی بن ابی طالب^(ع) نازل شده است و ماجرا به این صورت نقل شده که روزی آن حضرت^(ع) در میان جمعی از مسلمین به نزد پیامبر^(ص) می‌رفتند. وقتی در مسیر از کنار منافقان گذشتند، آنان آن حضرت^(ع) را تمسخر کردند و با چشم و ابرو به هم اشاره می‌کردند و می‌خندیدند و وقتی نزد یاران و هم‌کیشان خود بازگشتند، گفتند: ما امروز أصلع (یعنی مرد طاس و بی مو) را دیدیم و به او خندیدیم! آنگاه قبل از رسیدن امام علی^(ع) و یارانشان نزد پیامبر^(ص)، این آیات نازل شد.

این روایت را خود مقاتل در تفسیر خویش بیان کرده است و در ادامه آن، فضیلتی برای ابوبکر مبنی بر خشم او بر منافقان و طرد کردن و راندن آنها از آن مسیر قائل شده است (ر.ک؛ ابن سلیمان بلخی، ۱۴۲۳ق.، ج ۴: ۶۲۵). حسکانی نیز این روایت را از تفسیر مقاتل به اختصار نقل کرده است (ر.ک؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق.، ج ۲: ۴۲۸).

۳-۲) بررسی روایات سبب نزول مدنی

الف) نقد روایات نادرست [یعنی، سبب نزول مدنی بودن سوره] در گفتار برخی از مفسران محقق با کم‌اعتنایی به آن اقوال و به کار بردن لفظ «قیل» درباره آنها آغاز می‌شود (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۸۷ و ۶۹۳ و زمخشری، بی‌تا، ج ۴: ۷۱۸ و ۷۲۳) و تا عصر حاضر ادامه یافته، به گونه‌ای که تعدادی از معاصران قاطعانه به رد این اقوال پرداخته‌اند (که در ادامه مباحث و در بخش نقدها، از گفتار ایشان بهره لازم و کافی به عمل خواهد آمد).

ب) سبب نزول‌های مدنی بیان‌شده برای این سوره که بیشتر بدون سند به ابن عباس یا تابعانی همچون عکرمه و حسن بصری می‌رسد، و از این رو که غیرمستند هستند، قابل اعتنا نیست.

ج) سبب نزول نخست را که حاکی از مدنی بودن سوره است، می‌توان از نظر محتوا چنین مورد نقد قرار داد که حکمتی برای وضع آیات مدنی در صدر سوره‌ای که روایات ترتیب نزول فراوانی، آن را در شمار سوره‌های مکی می‌دانند، فهمیده نمی‌شود و این با مضمون و اسلوب سوره در تناقض است (ر.ک؛ دروزه، ۱۳۸۳، ج ۵: ۵۰۸-۵۰۹)؛ چراکه لحن سوره همراه با خشونت و سختگیری فراوان است و این مطلب خصوصاً با تکرار لفظ «کلاً» که ناشی از عناد مخاطب و انکار اوست، در این سوره ظهور بیشتری می‌یابد و این حالت با بدو ورود پیامبر اکرم (ص) به مدینه متناسب نیست (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۱۵۵)؛ زیرا آنها قومی بزرگوار بودند که دین خدا را پذیرفتند و جان‌ها و اموال ایشان را برای یاری و حمایت از آن حضرت (ص) اختصاص دادند و شهرشان را برای مهاجران گشودند و آنها را در خانه‌های خویش مسکن دادند. بنابراین، این نوع برخورد خشن و رسواکننده مناسب آنان نیست، بلکه بیشتر مناسب وضعیت مشرکان است (ر.ک؛ خطیب، بی‌تا، ج ۱۶: ۱۴۸۸). این واقعیت تاریخی است که اسلام در محیط مکه با حالتی زننده از تطفیف مواجه بود، به گونه‌ای که ثروتمندان و بزرگان مشرکان طی تجارت‌های وسیعی به آن می‌پرداختند و به احتکار دست می‌زدند و اموال زیادی در دستان این افراد بود که

آن را از طریق فرستادن کاروان‌های تجاری در دو فصل زمستان و تابستان به سوی یمن و شام فراهم آورده بودند و آنگاه بازارهایی به نام عکاظ در موسم حج گشودند و آنها بر اساس امیال خویش، با اعمال فشار بر مردم حکمرانی می‌کردند و در آیه قرآن هم آمده است که می‌فرماید: ﴿إِذَا اسْتَأْذَنُوا عَلَى النَّاسِ...﴾ (المطففين / ۲). پس مراد، «عَلَى النَّاسِ» می‌باشد، نه «من الناس» (ر.ک؛ شاذلی، ج ۶: ۳۸۵۴). در واقع، خداوند متعال تطفیف (کم‌فروشی) را مذمت کرده، از آن برحذر داشته است و حال اینکه، این صفت، عادت اهل مدینه بود و پیامبر (ص) در اول ورودش به مدینه، این سوره را بر آنان خواند تا آنان از این خصلت زشت و عذاب‌آور بیدار شوند تا اعمال و معاملات آنها نیکو گردد و این اولین رحمت خدا بود که به اهل مدینه رسید و کسانی که آن را در بدو ورود پیامبر (ص) از آن حضرت (ص) شنیدند، گمان کردند که این سوره در مدینه نازل شده، به همین سبب بعضی سبب نزول آن را درباره مردی به نام ابوجهینه بیان کرده‌اند (ر.ک؛ ملاً حویش، ۱۳۸۲ق.، ج ۴: ۵۰۹-۵۱۰)، اما باید گفت این روایات که اندکی قبل یا بعد از نزول رخ داده است و سوره مذکور به هنگام وقوع آن تلاوت شده، در اصل شأن نزول (ر.ک؛ معرفت؛ ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۲۵۴) و حمل بر ذکر مصداق و تطبیق نابجاست (ر.ک؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۱۵۲) و سبب نزول معتبر و قابل استفاده در تاریخ‌گذاری نمی‌باشد.

۲-۴) روایت سبب نزول مبتنی بر مدنی بودن بخش پایانی سوره

این روایات نیز قابل نقد می‌باشد؛ چراکه با روایات اسباب نزول حاکی از مکی بودن این آیات که از سند و محتوای مقبول‌تری برخوردارند، در تعارض می‌باشد و از سوی دیگر، تمسخری که در این آیات به آن اشاره شده، ناشی از سوء ادب و گمراهی فاعل آن است و این حالت در واقعیت محیط و فضای مکه محسوس‌تر است (ر.ک؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق.، ج ۶: ۳۸۶۰) و در آنجا (مکه) مؤمنان در اقلیت و کافران در اکثریت و قدرت بودند و این آیات بیانگر رخدادی از حالت آن کافران قبل از نزول این آیات می‌باشد، به دلیل فعل (کأثوا) که خبر از گذشته می‌دهد، خود گویای این سخن است (ر.ک؛ ملاً حویش، ۱۳۸۲ق.، ج ۴: ۵۱۹-۵۲۰).

۳- سوره مطففین در ضوابط و خصائص سوره‌های مکی

اما تفاوت ضوابط و خصائص این است که مراد از ضوابط در این اصطلاح، مواردی است که به خصوصیات الفاظ وابسته است و مراد از ممیزات و خصائص، اموری است که به خصوصیات اسلوب، معانی و اغراض سوره مرتبط می‌شود. در ادامه، سوره بر اساس خصائص و ضوابط سوره‌های مکی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳) سوره مطففین در ضوابط سوره‌های مکی

در سوره مطففین در بخش ضوابط سوره‌ها مواردی که مطرح هستند، از این قبیل هستند که در مکی بودن سوره کمک شایانی می‌نماید:

الف) سوره‌هایی که در آن، داستان انبیاء و امت‌های پیشین آمده، جز بقره و آل عمران، مکی است (ر.ک؛ زرکشی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۲۷۶؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ۸۶ و زرقانی، ۱۴۰۸ق.، ج ۱: ۱۹۶-۱۹۷).

هرچند داستان امت‌های پیشین به شکل مفصل در این سوره نیامده است، ولی در آیه ۱۳ با عبارت «اساطیر الأولین» ذکری از آن به میان آمده است و در این حد، در این ضابطه جای می‌گیرد.

ب) هر سوره‌ای که در آن، واژه «کلا» به کار رفته، مکی است (ر.ک؛ زرکشی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۲۷۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱: ۸۷ و زرقانی، ۱۴۰۸ق.، ج ۱: ۱۹۶-۱۹۷). بنابراین، سوره مطففین که واژه «کلا» در آن به کار رفته، ۴ بار (در آیات ۷، ۱۴، ۱۵ و ۱۸) به کار رفته، بر اساس این ضابطه مکی است.

همچنین، در مطالعه‌ای که بر واژگان و ترکیبات سوره‌های مکی و مدنی به عمل آمده، ملاحظه شد، کلمات «ویل»، «ما أدراک»، «لا أقسم» و ... مخصوص سوره‌های مکی است (ر.ک؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۱۲۱-۱۲۲) که در این سوره، چهار بار «ویل» و دو بار «ما ادراک» آمده است.

در این بخش، ذکر این نکته ضروری است که آنچه برخی از علمای علوم قرآن و مفسران بر آن داشته که سوره را به عنوان یک سوره مدنی تلقی کنند، وجود آیه‌ای که سخن از کیل و وزن را به میان آورده است، در حالی که در سوره‌های انعام، شعراء، هود و اسراء که بدون اختلاف مکی هستند، سخن از کیل و وزن به میان آورده است؛ از جمله: ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ...﴾ و حق پیمانانه و وزن را به عدالت ادا کنید! ﴿(الأنعام / ۱۵۲)؛ ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ﴾ حق پیمانانه را ادا کنید و دیگران را به خسارت نیفکنید ﴿(الشعراء / ۱۸۱)؛ ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ﴾ و هنگامی که پیمانانه می‌کنید، حق پیمانانه را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید ﴿(الاسراء / ۳۵) (ر.ک؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق.، ج ۸: ۳۴۲) و خداوند در این آیه، تنها در صدد وعید و انذار از یک پلیدی و خیانت در کیل است و در صدد درمان این بیماری شایع در میان مردم است، چنان که در دعوت حضرت شعیب^(ع) میان قوم خود که به این مرض مبتلا بودند، البته با نهی از آن صورت گرفت: ﴿وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ﴾ پیمانانه و وزن را کم نکنید! من (هم‌اکنون) شما را در نعمت می‌بینم؛ (ولی) از عذاب روز فراگیر بر شما بیمناکم! ﴿(هود / ۸۴) (ر.ک؛ خطیب، بی‌تا، ج ۱۶: ۱۴۸۹-۱۴۹۰). بنابراین، آیه مذکور تنها به صورت کلی در صدد مذمت مطففین می‌باشد، نه در مقام تشریح حکم تحریم آن. لذا بر اساس این ضابطه، سوره مطففین، مدنی نیست.

۲-۳) سوره مطففین در خصائص سوره‌های مکی

خصائص سوره‌ها به دو بخش اسلوبی و موضوعی تقسیم می‌شود.

۱-۲-۳) سوره مطففین در خصائص اسلوبی سوره‌های مکی

الف) کوتاهی آیه‌ها و سوره‌ها (ر.ک؛ زرقانی، ۱۴۰۸ق.، ج ۱: ۲۰۳ و حسین احمد، ۱۴۲۰ق.، ج ۱: ۱۶۸):

از نظر کوتاهی آیات، سوره مطففین با ۳۶ آیه - طبق رسم الخط مصحف عثمان طه - در ۱۹ سطر جای گرفته است، به طوری که در هر سطر، بیش از یک آیه ثبت شده است، حال آنکه برخی از سوره‌های قبل از آن، مثل انسان (که مدنی است)، با ۳۱ آیه در ۲۶ سطر جای گرفته است.

(ب) کثرت اسلوب تأکید و الفاظ تثبیت معنا، همانند سوگند بسیار، تشبیه و ضرب‌المثل (ر.ک؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق. ج ۱: ۱۶۸):

در این سوره مشاهده می‌شود که تمام ترکیب کلمات تأکید و تثبیت معنا در حدود ۲۰ مورد می‌باشد که ۶ مورد لام تأکید، یک مورد «أَنَّ»، یک مورد نفی و استثناء، «هل» و «همزة» استفهامی - که در اینجا به معنای «قد» و «تثبیت معنا» است - همچنین، ۴ مورد کلاً - در تأکید و معنای ردع و زجر - به کار رفته است. همچنین، وصف‌های متعدّد از «مطففین»، «سجّین»، «مکذّبین»، «علّیون»، «رحیق»، عین عبارت «فَلْيَتَنَافَسِ الْمَتَنَافِسُونَ...» که همگی دلالت بر کثرت اسلوب تأکید در این سوره دارد.

(ج) کثرت فواصل (ر.ک؛ همان: ۱۶۸):

«فواصل»، جمع «فاصله»، خواه کلمات آخر آیات و خواه کلمات هم‌شکل در بخش‌های آیات باشد - و کثرت آنها غالباً به کوتاهی آیات می‌انجامد که در این سوره، این حالت به وضوح و یا حتّی با نگاهی گذرا به خوبی مشهود است. ۴ - تعبیر و وزن و سجع نیرومند (ر.ک؛ همان: ۱۶۸). این خصلت هم که به خصیصه اول و سوم وابسته است، به زیبایی در این سوره مشهود است؛ چراکه تمام آیات آن مسجّع و وزن نیرومندی برخوردارند، به طوری که بیشتر آیات مختوم به واو و نون یا یاء و نون و در برخی، به یاء و میم با رعایت فاصله و در دو مورد نیز به واو و میم ختم می‌شود و از آنجا که مخارج این حروف، مشابه و متقارب می‌باشد. لذا سجع و وزن محکمی در سوره ایجاد کرده است و یا حتّی آیات پایانی با وجود تغییر محتوا، همچنان از سجع حاکم بر سوره پیروی می‌کند.

۲-۲-۳) سوره مطففین در خصائص موضوعی سوره‌های مکی

در بخش خصائص، موضوعی سوره مطففین مواردی از این قبیل مطرح است:

الف) تثبیت اصول اعتقادی

قرآن مکی بیشتر سه معنا را گزارش می‌کند. الف) اثبات توحید خداوند و نفی شرک و بُت‌پرستی. ب) تثبیت نبوت نبی اکرم^(ص) و جهانی بودن رسالت ایشان. ج) اثبات امر قیامت و جهان آخرت. پس از این سه، ترغیب و ترهیب، امثال و قصص، ذکر بهشت و دوزخ، توصیف روز قیامت می‌آید (ر.ک؛ زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۲۰۲-۲۰۳ و حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۶۹). در این سوره، از اثبات توحید و تثبیت نبوت سخنی به میان نیامده است، اما فضای حاکم بر اغراض سوره، اثبات امر قیامت و روز جزا، آیات ۴ و ۱۱. سپس توصیف روز قیامت (ر.ک؛ آیات ۵ و ۶) و ذکر برخی عذاب‌های جهنمیان و نعمت‌های بهشتیان (ر.ک؛ آیات ۱۴-۱۷، ۲۲-۲۸) و ترغیب و ترهیب نسبت به آنها (ر.ک؛ آیات ۱۰، ۲۱ و ۲۶) و اثبات وجود نامه اعمال (ر.ک؛ آیات ۹، ۱۷، ۱۸ و ۲۰) به صورت کاملاً محسوسی بیان شده است.

ب) سخن از عادات و رسوم زشت و ناپسند

در سوره‌های مکی، آداب و عادات زشت مانند قتل، زنده به گور کردن دختران، آبروریزی و خوردن مال یتیم سخن به میان آمده است، تا بدین وسیله، این عادات را دور سازد (ر.ک؛ زرقانی، ج ۱: ۲۰۳). از جمله عادات ناپسند میان عرب جاهلی و مشرکان قریش و تجار، تطفیف و کم‌فروشی بود و در این سوره که به این کلمه و عادت نیز نام برده شده، در ابتدا با مذمت افرادی که به آن مبتلا هستند و تهدید آنها به عذاب و هلاکت، سعی در برحذر داشتن مردم از این رسم زشت دارد؛ چراکه «ویل» به معنای شرّ شدید، حزن فراوان، هلاکت عظیم و عذاب دردناک و نیز نام دره‌ای در جهنم می‌باشد (ر.ک؛ ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ج ۴: ۵۰۸).

ج) شرح اصول اخلاقی و حقوق اجتماعی

در این سوره‌ها، اصول اخلاقی و حقوق اجتماعی، شرح و توضیح می‌یابد. اخلاق ناپسند هم چون کفر، گناه، نادانی و... زشت و ناپسند مطرح می‌شود و اخلاق پسندیده چون ایمان، اطاعت، علم و... خوب و نیکو طرح می‌گردد (ر.ک؛ زرقاتی، ۱۴۰۸ق.، ج ۱: ۲۰۳). در این سوره، اخلاق ناپسندی همچون تطفیف (کم‌فروشی) و تکذیب آیات الهی، کفر، استهزاء، مسخره کردن دیگران، زشت و ناپسند معرفی شده است و برای هر یک از آنها نیز عذاب سخت و دردناکی مطرح می‌گردد. همچنین، اخلاق‌های پسندیده‌ای، مثل برّ و نیکی و ایمان را معرفی، و برای هر یک، پاداش‌هایی عنوان می‌شود. ۴- توجه به داستان انبیاء و اخبار امت‌های پیشین (ر.ک؛ همان؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق.، ج ۱: ۱۶۹). در این سوره، هیچ داستانی از انبیاء و امت‌های پیشین نیامده است، جز اینکه در آیه ۱۳ که می‌فرماید: ﴿إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾، فقط به «أساطیر اولین» اشاره‌ای شده است.

نقد و بررسی روایات مدنی بودن

در این قسمت، هر یک از این روایات‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

الف) روایت ابن عباس

ابن عباس که مدنی بودن سوره را بیان کرده، با روایت مکی بودن سوره که از طرق مختلف از او رسیده، در تعارض است.

ب) روایت ضحاک

دربارهٔ روایت او باید گفت که در منابع مختلف، از خود ضحاک مکی بودن سوره گزارش شده است.

ج) روایت عکرمة و حسن بصری

روایت آنها با روایات رسیده از طریق علی بن حسین بن واقد از عکرمة و حسن بصری که مکی بودن سوره را بیان می کند، در تناقض است.

د) روایت مقاتل بن سلیمان

قرطبی به نقل از مقاتل بن سلیمان، مکی بودن سوره را بیان می کند (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰: ۲۵۰).

۴- تاریخ گذاری (و تخمین زمان نزول) سوره مطففین

اکنون با توجه به مطالب بخش های قبلی که در این جستار بیان گردید، می توان به محدوده زمانی نزول سوره مطففین نزدیک شد. درست با همین هدف، با نیم نگاهی به مباحث گذشته، نتیجه لازم پیگیری می شود.

۴-۱) تاریخ گذاری با توجه به روایات ترتیب نزول سوره ها و مکان نزول سوره مطففین

با عنایت به روایات ترتیب نزول سوره ها که پیش از این ذکر شد، هم مکی بودن سوره مطففین و هم نزول ترتیبی در محدوده پایانی سوره های مکی و نیز البته جزء آخرین سوره های مکی، و هم نزول آن پس از سوره عنکبوت به دست می آید. از سوی دیگر، روایات و اقوال مکان نزول سوره نیز مکی بودن آن را تأیید می کند.

بدون توجه به اسباب نزول سوره عنکبوت، هم می توان بنا بر این واقعیت که گزارشی از فترت وحی در سال های پایانی بعثت به دست نیامده، لذا بر اساس اتفاق اکثر علما و مفسران در باب آخرین سوره مکی بودن سوره مطففین، می توان گفت که این سوره در سال آخر بعثت نازل شده است.

۲-۴) تاریخ گذاری بر اساس روایات سبب نزول سوره و با توجه به وقایع تاریخی (سال‌های پایانی بعثت و سال‌های آغازین هجرت)

بر اساس روایات سبب نزول این سوره که پیش از این ملاحظه شد، روایات سبب نزول آیات آغازین از اعتبار لازم برای نتیجه گیری در تاریخ گذاری برخوردار نبود و تنها در حد شأن نزول مورد توجه است. بنابراین، هرچند که نظر برتر و صحیح تر در تعیین زمان نزول، آیات آغازین سوره می باشد، ولی با توجه به عقیده ترتیب توقیفی آیات در سوره‌ها و برخورداری آن از نظم طبیعی، و نیز کوتاهی سوره مذکور، بر اساس روایات سبب نزول آیات پایانی سوره که معتبرترین آن، دلالت بر نزول آن در مکه و آن هم زمانی که مسلمانان در اقلیت و کفار مشرکان در اکثریت بودند و عناد و دشمنی مشرکان نسبت به مسلمانان، خصوصاً اصحاب خاص پیامبر^(ص) چنان شدت گرفته بود که در مسیر ایشان قرار گرفتند و به صورت علنی در میان عموم مردم، ایشان را مورد تمسخر و استهزاء قرار می دادند و واضح است که تمام این حالات، با چنین شدت و خصومتی با سال‌های پایانی بعثت، بدین علت که در آن زمان، اسلام در بین مردم مکه و دیگر قبایل رواج پیدا کرده بود، تناسب و سازگاری بیشتری دارد. لذا این سوره، در سال‌های پایانی بعثت نازل شده است.

۵- نقش تاریخ گذاری سوره مطففین در تفسیر آن

اقدامات مفسران در حوزه نقش تاریخ گذاری سوره‌ها در تفسیر عبارتند از:

الف) اظهار نظر درباره مکی و مدنی بودن، ترتیب نزول (تعیین سوره قبل و سوره بعد) و طرح آیات مستثنیات در سوره‌ها. مفسران در تفسیر سوره مطففین، در این حوزه اختلاف کرده‌اند. توجه به تاریخ نزول سوره، اقوال برخی که به مدنی بودن سوره حکم داده‌اند، با نقد و اشکال روبه‌رو می‌کند.

ب) یکی دیگر از اقدامات مفسران، بیان اهداف و مقاصد اصلی و فرعی سوره‌ها یا کشف تناسب و ارتباط آیات و بخش‌های آنهاست. با این همه، چنان نیست که مفسران

زیادی به این امر مبادرت ورزیده باشند، اما توجه به تاریخ‌گذاری، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند. در نظر گرفتن واقعیت‌های عصر رسالت، حرکت و سیر دعوت، ارتباط متن قرآن و زمان نزول بخش‌های گوناگون آن، بسیار به هم وابسته‌اند. از این رو، تأثیر این اقدام در نابجا نشان دادن پاره‌ای از برداشت‌ها و گفتارهای مفسران و ترجیح برخی دیگر از آرا و مطالب تفسیری و در نهایت، کمک به شناخت صحیح قرآن، خواه ناخواه روشن است.

ج) یکی دیگر از اقدامات مفسران، توجه به روایات سبب نزول و نقل آنهاست. این روایات، خود یکی از ابزارهای تاریخ‌گذاری سوره‌ها به شمار می‌روند، اما میان تاریخ‌گذاری برخی از سوره‌ها و اعتبارسنجی برخی از اسباب نزول آنها رابطه‌ای دوسویه برقرار است؛ به این معنی که تاریخ‌گذاری خود در اعتبارسنجی و ترجیح یا رد اسباب نزول مؤثر است؛ چنان‌که تاریخ‌گذاری سوره مطففین باعث مردود ساختن سبب نزول‌هایی می‌شود که سوره را مدنی تلقی کرده‌اند و ملامت‌های شدید را که نسبت به گروهی در این سوره صورت گرفته، مربوط به مسلمانان مدینه دانسته‌اند، نه کفار و مشرکان مکه؛ زیرا روایات شأن نزول مدنی این سوره را مربوط به اوایل هجرت به مدینه می‌داند که در آن ایام مسلمانانی با اخلاص از شهر و دیار خود مهاجرت کرده، گروهی دیگر نیز آنها را پناه داده بودند و بیشتر نیاز به دلجویی از سوی خداوند داشتند تا ملامت، و این ملامت‌ها نمی‌تواند مختص چنین افرادی باشد.

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد، نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱- سوره مطففین، مکی است. نزول آن به حدود سال آخر بعثت و سه ماه قبل از هجرت به مدینه تخمین زده شد و در روایات ترتیب نزول، قریب به اتفاق، این سوره را آخرین سوره نازل شده پس از سوره عنکبوت در مکه می‌دانند و در ضمن آن، با تطبیق

ضوابط و خصائص سوره‌های مکی و تحلیل آنها، مکی بودن همه آیات سوره مطففین به دست می‌آید.

۲- دیدگاه بیشتر مفسران درباره مدنی بودن همه سوره مطففین، با نقد جدی روبه‌رو است؛ زیرا این گروه از مفسران یا به همه روایات و آثار وارده در این حوزه نگرشی فراگیر نداشته‌اند، یا از تناسب آیات سوره با یکدیگر و بررسی محتوای آن غفلت ورزیده‌اند.

۳- تاریخ‌گذاری سوره مطففین، عاملی مؤثر در شناخت بهتر و دقیق مفاهیم سوره و ترجیح روایات و اقوال مفسران درباره مکان و ترتیب نزول این سوره به شمار می‌رود؛ زیرا نشان‌دهنده صحت نداشتن و اعتبار اقوال مفسران در مدنی بودن همه سوره است.

۴- فایده مکی دانستن این سوره در تفسیر و فهم آیات به این صورت مؤثر است که باعث می‌شود ملامت‌های شدیدی را که نسبت به گروهی در این سوره صورت گرفته، مربوط به کفار و مشرکان مکه بدانیم، نه مسلمانان مدینه؛ زیرا روایات شأن نزول مدنی این سوره را مربوط به اوایل هجرت به مدینه می‌داند که در آن ایام، مسلمانان باخلاص، دور از شهر و دیار خود مهاجرت کرده، گروهی دیگر آنها را پناه داده بودند و بیشتر نیاز به دلجویی از سوی خداوند داشته‌اند، تا ملامت و این ملامت‌ها نمی‌تواند مختص چنین افرادی باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق.). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید. (بی‌تا). *شرح نهج البلاغه*. تحقیق ابراهیم محمد ابوالفضل. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن. (۱۴۲۲ق.). الف. *زاد المسیر فی علم التفسیر*. بیروت: دارالکتب العربی.

_____ . (١٤٢٢ق.) . ب. **فنون الأفنان في عجائب علوم**

القرآن. بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية.

ابن خلّكان، ابوالعبّاس شمس الدّین. (١٩٠٠م.). **وفيات الأعيان**. تحقيق احسان عبّاس. بيروت: دار صادر.

ابن سعد، ابو عبدالله محمّد بن سعد. (١٤٠٨ق.). **الطبقات الكبرى**. مدينة: مكتبة العلوم و الحكم.

ابن سلّام هروى، قاسم. (١٤٢٦ق.). **فضائل القرآن**. بيروت: دارالكتب العلميّة.
ابن سليمان بلخى، مقاتل. (١٤٢٣ق.). **تفسير مقاتل**. به كوشش شحاته. بيروت: دار احياء التراث.

ابن ضُرَيْس، ابو عبدالله محمّد. (١٤٠٨ق.). **فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمكّة و ما أنزل بالمدينة**. دمشق: دارالفكر.

ابن عاشور، محمّد بن طاهر. (بى تا). **التحوير والتّنوير**. بى جا: بى نا.

ابن عطية اندلسى، عبدالحق بن غالب. (١٤٢٢ق.). **المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز**. به كوشش عبدالسلام محمّد. بيروت: دارالكتب العلميّة.

ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمرو. (١٤١٩ق.). **تفسير القرآن العظيم**. بيروت: دارالكتب العمليّة.

ابن نديم، محمّد بن اسحاق. (١٤١٧ق.). **الفهرست**. به كوشش شيخ ابراهيم رمضان. ج ٢. بيروت: دار المعرفة.

ابوحيان اندلسى، على بن محمّد. (١٤٢٠ق.). **البحر المحيط في التفسير**. بيروت: دار الفكر.

بحرانى، سيدهاشم. (١٤١٦ق.). **البرهان في تفسير القرآن**. ج ١. تهران: بنياد بعثت.
بغدادى، علاء الدّين على بن محمّد. (١٤١٥ق.). **لباب التأويل في معاني التنزيل**.

بيروت: دار الكتب العلميّة.

- بغوى، حسين بن احمد. (١٤٢٠ق.). **معالم التنزيل فى تفسير القرآن**. به كوشش عبدالرزاق مهدي. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- بيضاوى، عبدالله بن عمر. (١٤١٨ق.). **أنوار التنزيل و أسرار التأويل**. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- بيهقى، احمد بن حسين. (١٤٠٥ق.). **دلائل النبوة و معرفة أحوال أصحاب الشريعة**. به تحقيق عبدالمعطى ملعجى. ج ١. بيروت: دارالكتب العلميه.
- ثعالبي، عبدالرحمن بن محمد. (١٤١٨ق.). **جواهر الحسان فى تفسير القرآن**. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- ثعلبى نيشابورى، ابواسحاق احمد. (١٤٢٢ق.). **الكشف والبيان عن تفسير القرآن**. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- جرير طبرى، محمد. (١٤١٢ق.). **جامع البيان عن تأويل آي القرآن**. بيروت: دار المعرفة.
- جفرى، آرتور. (١٣٩٢ق.). **مقدمتان فى علوم القرآن**. قاهره: مكتبة الخانجى.
- جعفریان، رسول. (١٣٧١). **مرجهه: تاريخ و اندیشه**. قم: نشر خرم.
- حسکانى، عبيدالله بن احمد. (١٤١١ق.). **شواهد التنزيل لقواعد التفضيل**. به كوشش محمدباقر محمودى. تهران: وزارت ارشاد اسلامى.
- حسين احمد، عبدالرزاق. (١٤٢٠ق.). **المكّي و المدنى فى القرآن الكريم**. قاهره: دار ابن عققان.
- حقى بروسوى، اسماعيل. (بى تا). **تفسير روح البيان**. بيروت: دارالفكر.
- خطيب، عبدالكريم. (بى تا). **التفسير القرآنى للقرآن**. بى جا: بى نا.
- دروزه، محمد عزت. (١٣٨٣). **التفسير الحديث**. ج ٢. قاهره: دار احياء الكتب العربيه.
- زحيلي، وهبة بن مصطفى. (١٤١٨ق.). **التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج**. بيروت و دمشق: دار الفكر المعاصر.
- _____ . (١٤٢٢ق.). **التفسير الوسيط**. دمشق: دار الفكر.

- زرقانی، عبدالعظیم. (١٤٠٨ق.). **مناهل العرفان فی علوم القرآن**. بیروت: دار الفکر.
- زرکشی، بدرالدین محمد. (١٤١٥ق.). **البرهان فی علوم القرآن**. به کوشش عبدالرحمن مرعشی و دیگران. چ ٢. بیروت: دار المعرفة.
- زرکلی، خیرالدین بن محمود. (٢٠٠٢م.). **الأعلام**. بیروت: دار العلم للملایین.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود. (بی تا). **الکشاف عن حقائق التنزیل**. بیروت: دار الفکر.
- زهری، محمد بن مسلم. (١٤١١ق.). **الناسخ والمنسوخ**. به انضمام تنزیل القرآن بمکة و المدينة. به کوشش حاتم صالح ضامن. بغداد: وزارت آموزش عالی.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (بی تا). **بحر العلوم**. بی جا: بی نا.
- سورآبادی، ابوبکر بن عتیق. (١٣٨٠). **تفسیر سورآبادی**. به تحقیق علی اکبر سعیدی سیرجانی. چ ١. تهران: فرهنگ نشر نو.
- سیوطی، جلال الدین. (بی تا). **الإتقان فی علوم القرآن**. به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: منشورات رضی.
- _____ . (١٤٠٤ق.). **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- _____ . (١٤٢١ق.). **التحییر فی علم التفسیر**. بیروت: دار الفکر.
- شاذلی، سید بن قطب. (١٤١٢ق.). **فی ظلال القرآن**. چ ١٧. بیروت - قاهره: دار الشروق.
- شبر، سید عبدالله. (١٤٠٧ق.). **الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین**. چ ١. کویت: مکتبة الألفین.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (١٣٦٣). **المیزان فی تفسیر القرآن**. چ ١٣. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فصل بن حسن. (١٣٧٢). **مجمع البیان لعلوم القرآن**. چ ٣. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (١٤١٢ق.). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار المعرفة.

- _____ . (بی تا). **تاریخ الأمم و الملوك**. مصر: دارالمعارف.
- طنطاوی، سید محمد. (بی تا). **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**. بی جا: بی نا.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). **التبیین فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث.
- _____ . (۱۳۴۸). **رجال الکشی**. مشهد: دانشگاه مشهد.
- فخر رازی، ابو عبدالله. (۱۴۲۰ق.). **مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)**. چ ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق.). **تفسیر الصافی**. به تحقیق حسین اعلمی. چ ۲. تهران: الصدر.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). **الجامع لأحكام القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). **تفسیر القمی**. به تحقیق سید طیب موسوی جزایری. چ ۴. قم: دارالکتاب.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق.). **تفسیر القمی**. تصحیح طیب موسوی جزائری. قم: دارالکتاب.
- ماوردی، علی بن محمد. (بی تا). **النکت والعیون**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مراغی، احمد بن مصطفی. (بی تا). **تفسیر المراغی**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مظہری، محمد ثناء الله. (۱۴۱۲ق.). **التفسیر المظہری**. پاکستان: مکتبہ رشدیہ.
- معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۹). **تاریخ قرآن**. چ ۱۲. تهران: سمت.
- _____ . (۱۴۱۵ق.). **التمهید فی علوم القرآن**. چ ۲. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیہ.
- ملا حویش آل غازی، عبدالقادر. (۱۳۸۲ق.). **بیان المعانی**. دمشق: مطبعة الترقی.
- میبدی، رشید الدین احمد. (۱۳۷۱). **کشف الأسرار و عدۃ الأبرار**. به تحقیق علی اصغر حکمت. چ ۵. تهران: امیر کبیر.

نخاس، ابوجعفر محمد. (بی تا). **الناسخ و المنسوخ فی القرآن**. ج ۲. بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیة.

نزال، عمران سمیح. (۱۴۲۷ق.). **الوحدة التاریخی هل لسور القرآنی**. ج ۱. دمشق: دارالقراء.

نکونام، جعفر. (۱۳۸۰). **درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن**. تهران: نشر هستی نما.
نیشابوری، نظام الدین حسن. (۱۴۱۶ق.). **تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان**. بیروت: دارالکتب العلمیة.

واحدی نیشابوری، علی بن احمد. (۱۴۱۱ق.). **اسباب النزول**. به تحقیق کمال بسیونی زغلول. ج ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (بی تا). **تاریخ یعقوبی**. بیروت: دار صادر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی